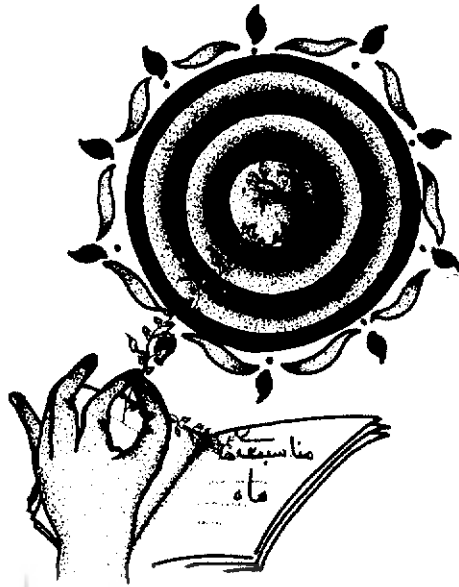


## «سلاله‌ی سلیل»

(به مناسبت ولادت امام حسن عسکری علیه السلام)

عباس کوثری



به حسن خُلق و وفا، کس به یار ما نرسد  
 اگر چه حُسن فروشان به جلوه آمده‌اند  
 به حق صحبت دیرین که هیچ محرم راز  
 هزار نقد ببازار کائنات آرند  
 هزار نقش برآید ز کِلک صنع و یکی  
 بسوخت حافظ و ترسم که شرح قصه‌ی او

به سمع پادشه کامکار ما نرسد<sup>۱</sup>

چلوه‌ی عفت و متانت و پاکی‌اش آن  
 چنان رخشنده است که در نخستین  
 دیدار، امام هادی علیه السلام به او فرمود:  
 «سلیل مسلوله من الآفات و الارجاس  
 والانسجاس؛ این بانو که نامش سلیل  
 است، از هر گونه آفات و پلیدی‌ها و  
 ناپاکی‌ها پیراسته است.<sup>۲</sup> پس راه را گم  
 پاکیزه‌ای در راه است و شکوفه‌ی  
 عشق و نسیم بهاران را به همراه دارد! از  
 راه‌های دور می‌رسد! از سرزمین نوبه در  
 جنوب مصر، تقدیر الهی او را به ساحل  
 زیبایی هدایت می‌کند! اکنون می‌تواند،  
 نگاهی عمیق بر دریا کند و مرواریدهای  
 حقیقت و دانش را به حضور طلبد!

نکرده است، به مقصد رسیده است. همه چیز آماده است به خانه‌ی اهل بیت رسالت علیهم‌السلام همان که خداوند رخصت به رفعت آن داده، خانه‌ای که در آن ذکر نام خدا می‌شود و صبح و شام تسبیح ذات پاک او کنند.<sup>۳</sup> این چنین است که می‌تواند تجلی بخش نور امامت یازدهمین پیشوای معصوم علیه‌السلام گردد زیرا دامن‌های پاک است که می‌تواند محل رشد امامی معصوم باشد. **«وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِأَذْنِ رَبِّهِ»**<sup>۴</sup>

اینک سلیل و در نامی دیگر سوسن خدیثه - خربیه خانه امام هادی علیه‌السلام را روشن نموده<sup>۵</sup> و در پیوندی مبارک زندگی آن حضرت را صفایی دیگر بخشیده است.

هشتم ربیع الثانی سال ۲۳۲ فرا می‌رسد و شهر مدینه به میلاد نور عسکری علیه‌السلام روشن می‌گردد.<sup>۶</sup> در این زمان سلیل پس از همسری امام هادی علیه‌السلام به فضیلتی دیگر دست یافته و آن مادری امام معصوم علیه‌السلام است.

این نیز از معجزات تربیتی ادیان الهی است که این چنین فضا را برای پرواز روح‌های آماده باز می‌کند. آن را وسعتی درخور می‌بخشد و در این راه زن و مرد نمی‌شناسد، بلکه مخاطبش

فطرت‌های پاک انسان‌هاست. بدین جهت است که تعدادی از زنان به مرحله‌ای دست یافته‌اند که کمتر مردانی غیر از معصومین بدان نائل شده‌اند. ساره، همسر ابراهیم، مخاطب ملائکه قرار می‌گیرد و مزدگانی اسحاق و یعقوب علیهم‌السلام، دو پیامبر بزرگ الهی، را دریافت می‌کند. **«فبشرناها باسحق و من وراء اسحق یعقوب»**<sup>۷</sup> و زمانی که از پیری خویش و کهن‌سالی همسرش دچار شگفتی می‌شود، ملائکه پاسخ می‌دهند: **«أَتَعْجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟»** آیا از کار خدا عجب داری این رحمت و برکات خدا بر شما خانواده است.<sup>۸</sup>

مریم قدیسه که قرآن درباره‌اش می‌فرماید: «خداوند او را به نیکویی پذیرفت و به طرز شایسته‌ای **«نهال وجود»** او را رویانید ( و پرورش داد) و کفالت او را به زکریا سپرد»<sup>۹</sup> آن چنان در پرواز معنویت اوج می‌گیرد که زکریای پیامبر علیه‌السلام را به اعجاب و شگفتی وا می‌دارد. **«كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ هُنَالِكَ دَعَا**





زکریا رَبِّهَ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذَرْيَةً طَيِّبَةً؛ هرگاه زکریا وارد محراب او می شد غذای مخصوصی نزد او می دید. گفت: ای مریم این غذا را از کجا آورده ای؟

او پاسخ می دهد که: «از سوی خداست، خداوند به هرکس بخواهد بی حساب روزی می دهد. در آن جا زکریا رو به پروردگار خویش می گوید «خداوندا از طرف خود فرزند پاکیزه ای (نیز) به من عطا فرما.»<sup>۱۰</sup>

کدامین واژه می تواند تفسیر حقیقت عروج معنوی مادر موسی را بنماید که قرآن درباره اش می فرماید: ﴿وَلَقَدْ مَتَّأْنَا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ﴾: ما بار دیگر بر تو منت نهادیم آن زمان که به مادرت آنچه الهام شده [و لازم بود] الهام کردیم،<sup>۱۱</sup>

و سلیل مادر امام حسن عسکری علیه السلام در استمرار همین سنت الهی است.

فضیلت او به همین جا ختم نمی شود. در استمرار این مادری بعدها به جدّه لقب می یابد. مادر بزرگ حضرت بقیة الله تا برای همیشه تاریخ این افتخار را با خویش به همراه داشته باشد. بعدها و پس از وفات فرزندش امام

عسکری علیه السلام پناهگاه شیعیان می شود. امام هادی علیه السلام به او این بشارت را داده بود که خداوند حجت خود را بر تو عطا خواهد کرد. همان که زمین را پر از عدل و داد کند همان گونه که از ستم و بیدادگری پر شده است.<sup>۱۲</sup>

مرحوم صدوق از احمد ابن ابراهیم نقل می کند که گفت: «سال ۲۶۲ به خدمت حکیمه عمّه ی امام عسکری علیه السلام وارد شدم. از پشت پرده با او سخن گفتم. از اعتقادات او پرسیدم. پیشوایان معصوم و بحق را برایم برشمرد تا به حضرت حجة ابن الحسن علیه السلام رسید، پرسیدم. در کجا می توان سراغش را گرفت؟ گفت: در سرا پرده ی غیب است گفتم: پس شیعه به کجا پناه می برد؟ گفت: به جدّه؛ مادر ابی محمد «عسکری علیه السلام».

گفتم: به کسی که وصی او از زنان است، اقتدا کنم. پاسخ داد: به امام حسین علیه السلام اقتدا کن که به ظاهر به خواهرش زینب علیه السلام وصیت نمود اما در واقع دانش نزد امام زین العابدین علیه السلام بود که بر زبان زینب جاری می گشت و نسبت به زینب داده می شد تا امام زین العابدین از دید دشمن محفوظ بماند.<sup>۱۳</sup> و جدّه نیز این چنین بود و جهت

حفظ و نگاهبانی از حضرت بقیة الله الاعظم به نام خود ولی در واقع پیام حضرت بقیة الله را به شیعیان ابلاغ می نمود.

### سیمای امام حسن عسکری علیه السلام

مولود پاکیزه‌ای که خانه‌ی امام هادی علیه السلام را روشن نموده است، دارای چهره‌ای زیبا و جاذبه‌ای فوق العاده است. احمد ابن خاقان - که مدتی در سامرا زندگی کرده است - امام را این چنین توصیف می‌کند: «رَجُلٌ أَسْمَرٌ، أَعْيُنٌ، حَسَنُ الْقَامَةِ، جَمِيلُ الْوَجْهِ، حَيْدُ الْبَدَنِ، حَدِيثُ السِّنِّ لَهُ جَلَالَةٌ وَ هَيْبَةٌ؛ مردی گندمگون گشاده چشم، نیکو قامت، زیبا رو، نیکو بدن، نوجوان و برخوردار از بزرگی و شکوهمندی بود.»<sup>۱۴</sup>

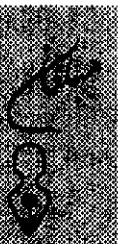
امام عسکری به صفت «هیبت»، «رِوَاء» و «خوش سیمایی» مشهور شده و مردم آن حضرت را به هیبت و جلال می‌شناختند زیرا آن حضرت به شکل عجیبی افراد را تحت سیطره و جذبه‌ی خویش قرار می‌داد که موارد زیر از آن جمله است:

۱ - مرحوم کلینی می‌نویسد: امام عسکری علیه السلام را نزد علی ابن «نازمش»

زندانی کردند. او ناصبی بود و بر آل علی علیه السلام سخت می‌گرفت. درباریان به وی سفارش کردند که بر حضرت سخت بگیرد ولی هنوز یک روز از زندانی شدن امام علیه السلام نگذشته بود که ابن نارمش تحویل یافت و چنان شد که از عظمت و جلالت امام چشم از زمین بر نمی‌داشت و در ردیف شیعیان آن حضرت قرار گرفت.<sup>۱۵</sup>

**امام عسکری به صفت «هیبت»، «رِوَاء» و «خوش سیمایی» مشهور شده و مردم آن حضرت را به هیبت و جلال می‌شناختند زیرا آن حضرت به شکل عجیبی افراد را تحت سیطره و جذبه‌ی خویش قرار می‌داد**

۲ - زمانی که امام عسکری علیه السلام زندانی صالح ابن وصیف بود، بنی عباس پیش او آمدند و از او خواستند که بر آن حضرت سخت بگیرد. صالح گفت: «چه کاری می‌توانم انجام بدهم. دو نفر از بدترین انسان‌ها را بر او گماشتم. اینک





آن دو نفر اهل نماز و روزه گشته‌اند و در عبادت و نماز به مرتبه‌ای والا رسیده‌اند. سپس دستور داد آن دو را احضار کنند و از آن‌ها پرسید. وای بر شما! چه شده است شما را با این زندانی؟ گفتند: چه بگوییم درباره‌ی کسی که روزها را روزه می‌گیرد و شب‌ها تا به صبح به عبادت مشغول است. سخنی نمی‌گوید و کاری جز عبادت ندارد. نگاهش آن چنان نافذ است که بدن ما می‌لرزد و چنان می‌شویم که مسلط بر خویشتن نیستیم، بنی عباس چون این را شنیدند، نومیدانه و با خواری برگشتند.<sup>۱۶</sup>

۳- احمد ابن عبیدالله ابن خاقان - که والی اوقاف و صدقات قم بود - علی‌رغم عداوتی که نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ داشت درباره‌ی امام عسکری علیه السلام می‌گوید: «زمانی که در سامرا بودم، کسی را در دانش، زهد، وقار، مهابت، عفت، حیا، شرف و قدر و منزلت همانند حسن ابن علی عسکری نیافتم. نزد خلفا و کارگزاران حکومتی جایگاه ویژه‌ای داشت. همگی او را تعظیم و تکریم می‌نمودند.

روزی بالای سر پدرم ایستاده بودم. چون نگاه پدرم به او افتاد، از جای خویش حرکت نمود و به استقبالش

شتافت. دست در گردن او در آورد و دست‌های او را بوسید و در جای خود نشاند و با ادب در خدمت او نشست و با او سخن می‌گفت و از جهت تعظیم او را با کُنیه خطاب می‌نمود. تعجب کردم. در این حال گفتند: موفق برادر خلیفه‌ی عباسی (معمتمد) می‌آید، با این وجود باز پدرم روی به او داشت و با او سخن می‌گفت. تا آن که غلامان مخصوص او نزدیک شدند، پدرم برخاست و او را با تعظیم و تکریم بدرقه نمود و سپس به استقبال موفق رفت. درباره‌ی او از خدمتکاران پدرم جویا شدم. گفتند: مردی است از بزرگان عرب، «حسن ابن علی» معروف بابن الرضا علیه السلام، تمام آن روز در فکر فرو رفته بودم. شب‌اتگاهان نزد پدرم آمدم. درباره‌ی امام عسکری علیه السلام از او سؤال کردم. گفت: او امام رافضیان است، سپس گفت: ای فرزند! اگر خلافت از بنی عباس بیرون رود، کسی از بنی‌هاشم غیر او شایستگی آن را ندارد زیرا که صفات زهد، عبادت، فضل، کمال، علم، عفت نفس، شرافت، نسب و برتری حسب از او شخصیتی شایسته ساخته است، پس از آن از مردم نیز درباره‌ی او پرسیدم. دوست و دشمن به بزرگواری، فضل و جلالت او معترف بودند.<sup>۱۷</sup>



دیگر طبق احادیث منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خلفای بنی عباس می دانستند که حضرت مهدی علیه السلام از خاندان علی و فاطمه است و اوست که بساط ستمگری را بر می چیند و عدالت و قسط را برقرار می کند. بدین جهت هر چه تاریخ ولادتش نزدیکتر می شد، سختگیری های آنان بیشتر می شد. امام هادی علیه السلام را به همراه فرزند بزرگوارش حضرت عسکری علیه السلام به سامرا احضار کردند تا کاملاً آن حضرت را زیر نظر داشته باشند. به آن هم اکتفا نکردند. بلکه آنان را در سامرا، در محله ای به نام «عسکر» سکونت دادند تا از دید نظامیان پنهان نمانند و رفت و آمدها را کنترل کنند. بر این اساس هر دو امام به «عسکرین» لقب یافتند.

ب- زکری ۲۰

پاکی امامان معصوم علیهم السلام عاملی بود که دل های مردم را بدان سوی هدایت می کرد. آنان خورشیدهایی فروزان بودند که تقوا و عدالت را به جان های مستعد هدیه می کردند. دشمنان غافل از مقام عصمت با دید باطل و ظاهربین خویش می خواستند این حقیقت ممتاز را در میان مردم خدشه دار کنند و این توطئه ای بود که پیشتر در زمان امام

این ها همه بیانگر جلالت و مهابت آن امام همام است که دل ها را در مقابل نورانیت و چهره ی ملکوتی خویش خاضع و انسان ها را به تکریم و نکو داشت او و امی داشت.

### القاب امام حسن عسکری علیه السلام

امام جام جهان بین است و وجودش آئینه ی تمامی زیبایی ها و جلالت هاست. القاب ائمه اطهار علیهم السلام هر یک بیانگر بعدی از ابعاد وجودی آنان و هر یک از این زیبایی هاست.

امام عسکری علیه السلام همچون دیگر ائمه علیهم السلام القابی دارد که می تواند پرتوی از گستره ی وجودی آن حضرت را نشان دهد. از جمله:

### الف - عسکری ۱۸

در عصر امام علیه السلام انقلاب ها و حرکت های زیادی به صورت مسلحانه علیه خلافت بنی عباس انجام می شد. بعضی از آن ها شیعی بود. مثل نهضت یحیی ابن عمر طالبی - که بر کوفه تسلط یافت و زندانیان را آزاد نمود - این گونه قیام ها خلافت عباسی را هراسان ساخته بود<sup>۱۹</sup>. به ویژه اگر رهبری آن را شخصیت بی نظیری مثل امام عسکری علیه السلام عهده دار می شد. از سویی



جوادی علیه السلام شروع شده بود.

ج - صامت ۲۳

یکی از صفات ارزشمند و متعالی انسانی سکوت و لب فرو بستن از سخنان بی فایده و غیر اخلاقی است.

در جهت اهتمام به این صفت در ادیان گذشته نیز دستورالعمل‌هایی برای آن مقرر شد که از آن جمله روزهی سکوت بود. در تفسیر آیهی شریفهی ﴿إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَانِ صَوْمًا﴾<sup>۲۴</sup> گفته‌اند: منظور روزهی سکوت است<sup>۲۵</sup> و این بالاتر از ترک محرّمات مثل غیبت و تهمت می‌باشد.

همین صفت حضرت بود که گاه موجب هدایت انسان‌ها می‌گشت. در توضیح صفت مهابت و شکوه حضرت خواندیم که یکی از ویژگی‌هایی که موجب شیفتگی زندانبانان حضرت شد، این بود که می‌گفتند: «او جز به ذکر خدا سخنی نمی‌گوید» بدین خاطر حضرت به صامت لقب یافت. ممکن است این صفت اشاره‌ای به شرایط اجتماعی - سیاسی دوران آن حضرت نیز داشته باشد که ظلم و خفگان آن چنان در زمان آن بزرگوار حاکم بود که حضرت سکوت را به عنوان شیوه رفتاری با آنان برگزیده بود.

زندانه‌های متعدد از سویی و

خلیفه عباسی به «مخارق» - یکی از دلچک‌ها و آوازه خوان‌های دربار - گفت: «می‌خواهم کاری کنی که او به لِهو و لعب مشغول شود». اما توطئه آنان با ناکامی مواجه می‌شد چنان که در همان مجلس امام جوادی علیه السلام آن چنان به او نهیب زد که تمامی نقشه‌های او به هم ریخت و با جمله «یا ذالْعُثْنُونِ اتَّقِ اللَّهَ» جلوه‌هایی دیگر از تقوای خویش را فرا راه عباسیان قرار داد.<sup>۲۱</sup>

در زمان امام عسکری علیه السلام نیز توطئه‌هایی از این دست تدارک دیدند. جعفر برادر آن حضرت را بسوی لِهو و لعب کشاندند اما در مقابل عصمت امام عسکری علیه السلام ناتوان ماندند و جذبه‌های عبادت و بندگی و تقوای آن حضرت بگونه‌ای بود که نه تنها نتوانستند نقطه ضعفی پیدا کنند بلکه همان گونه که گذشت، مأموران دژخیم آنان را به سوی عبودیت و بندگی رهنمون می‌شد. در این زمان بود که صفت «زکتی» (پاک و آراسته) زبینه وجود او شد و او را یادگاری صالح و تجسمی زیبا از آیهی ﴿أَتَمَّا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾<sup>۲۲</sup> قلمداد می‌کردند.

شده است که هر کدام به سهم خود می‌تواند پرتوی از نور پرفروغ آن حضرت باشد.

میلادش بر همگان مبارک باد

پی نوشت‌ها:

- ۱- دیوان حافظ.
- ۲- اثبات الوصیة، ص ۲۰۷.
- ۳- نور / ۳۶.
- ۴- اعراف / ۵۸.
- ۵- حیاة الامام الحسن العسکری، ص ۱۷.
- ۶- بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۳۶.
- ۷- هود / ۷۱.
- ۸- هود / ۷۳.
- ۹- آل عمران / ۳۷.
- ۱۰- آل عمران / ۳۷ و ۳۸.
- ۱۱- طه / ۳۷ و ۳۸.
- ۱۲- اثبات الوصیة، ص ۲۰۷.
- ۱۳- الانوار البهیة، ص ۱۵۲.
- ۱۴- بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۲۶.
- ۱۵- بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۰۷ و ۳۰۸.
- ۱۶- همان.
- ۱۷- همان، ص ۳۲۶.
- ۱۸- همان، ص ۳۳۷.
- ۱۹- حیاة الامام العسکری، ص ۲۱۶.
- ۲۰- بحار، ج ۵۰، ص ۲۳۶.
- ۲۱- همان، ص ۶۲.
- ۲۲- احزاب / ۳۳.
- ۲۳- مناقب، ج ۴، ص ۴۲۱؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۳۶.
- ۲۴- مریم / ۲۶.
- ۲۵- مجمع البیان، مریم / ۲۶.
- ۲۶- حیاة الامام العسکری، ص ۲۰.

**پاکی امامان  
معصوم علیهم‌السلام عاملی بود  
که دل‌های مردم را بدان  
سوی هدایت می‌کرد.  
آنان خورشیدهایی  
فروزان بودند که تقوا و  
عدالت را به جان‌های  
مستعدّ هدیه می‌کردند**

محاصره‌ی آن بزرگوار در محله‌ی «عسکر» از سوی دیگر موجب می‌شد که آن حضرت نتواند مسائل دینی و الهی را بازگو کند. شیعه که آن حضرت را منزوی استکبار و استبداد می‌دید، با صفت «صامت» از آن حضرت یاد می‌کرد تا خود حکایت درد و هجران شیعه و باطل بودن خلافت بنی‌عباس بوده باشد.

صفات دیگری نیز برای آن حضرت از قبیل خالص (منزه از هر عیب)، هادی (هدایت‌کننده) و سراج (چراغ فروزنده)، تقی<sup>۲۶</sup> (پرهیزکار و تقواپیشه) شمرده